

بسم الله الرحمن الرحيم

1399/08/14

موضوع: نقش حوزه‌های علمیه در ارتقاء وحدت اسلامی

سخنرانی عمومی

فهرست مطالب این برنامه:

مقاله ای در حقانیت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) با عنایت امام رضا (علیه السلام)

درخواست مقام معظم رهبری از مسلمانان جهان!

«شهید مطهری» و تبیین ناب وحدت اسلامی

وحدت بین مذاهب اسلامی، اُس اساس قرآن کریم

دیدگاه جالب توجه امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) نسبت به وحدت امت اسلامی

این ماهیت واقعی شیعه نیست!

نتیجه اهانت به مقدسات اهل سنت از زبان امام رضا و امام صادق (علیهما السلام)

پرسشهای حاضرین در جلسه

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و

الصلاة على محمد رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء

الله إلى يوم لقاء الله، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ.

خدا را قسم می‌دهیم به آبروی صدیقه طاهره (سلام الله علیها) عیدی ما را فرج موفور السرور مولایمان بقیة

الله الاعظم قرار بدهد. ان شاء الله.

بنا شد بحث ما در رابطه با "وظیفه حوزه‌های علمیه در رابطه با وحدت میان امت اسلامی" باشد. به نظر می‌رسد یکی از اساسی‌ترین چیزی که ما در حوزه‌های علمیه وظیفه دارد اولاً تبیین وحدت اسلامی در جامعه امروز است.

مراد از وحدت چیست؟ آیا مراد از وحدت، شیعه کردن همه سنی‌ها است؟ یا سنی کردن همه شیعه‌ها است؟ یا مشترکات دو فرقه را گرفتن و مختصات را رها کردن است؟ باید ببینیم مراد چیست؟ این یکی از اساسی‌ترین مباحثی است که باید تبیین بشود.

الان ما می‌بینیم حتی میان طرفداران وحدت اسلامی هم اختلاف زیادی است. بعضی‌ها معتقدند که ما برای ایجاد وحدت اسلامی نباید حقانیت ائمه اطهار (سلام الله علیهم اجمعین) را بیان کنیم؛ چون موجب رنجش اهل سنت خواهد بود.

### مقاله ای در حقانیت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) با عنایت امام رضا (علیه السلام)

خدا آقای «واعظ زاده خراسانی» را بیامرزد، ایشان در «مجله نهج البلاغه» اگر اشتباه نکنم شماره 4 و یا 5 بود در آن جا به صراحت نوشته بود: "با تکیه بر خلافت منصوص امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) اهل سنت از ما می‌رنجند، ما نباید خلافت امیرالمؤمنین و حقانیت امیرالمؤمنین را مطرح کنیم."

بعد ایشان دو تا راهکار برای وحدت پیشنهاد کرده بود: 1. ما دست از منصوص الخلافه بودن علی برداریم 2. به فکر پیدا کردن ادله مشروعیت خلافت شیخین باشیم. بعد ایشان می‌گوید من از طلاب حوزه‌های علمیه و دانشجویان می‌خواهم که به دنبال ادله بگردند!

خواهران می‌توانند فایل «مجله نهج البلاغه» را از اینترنت بگیرند، در اینترنت موجود است. بعد حضرت آیت الله «سبحانی» (حفظه الله تعالی) از بنده خواستند تا جوابی بنویسم ولی بنده عذر خواستم. جناب آقای «دین پرور» مسؤل مجله «نهج البلاغه» خواستند، باز عذر خواستم.

خداوند «آیت الله خزعلی» را رحمت کند؛ ایشان «قم» که می‌آمدند ورودشان منزل ما بود. قضیه‌اش مفصل است. ایشان بعد از صرف نهار خوابیدند، بلند که شدند گفتند فلانی! من الان خواب دیدم شما، من و آقا امام رضا (سلام الله علیه) یک جایی هستیم.

شما یک تیری به دست تان بود می‌خواستید بیندازید ولی دو دل بودید. آقا امام رضا از شما خواست و فرمود: فلانی بزن نترس! به من گفت: «خزعلی» بگو بزند. خلاصه داستانش خیلی مفصل است.

من بعد از آن، احساس کردم که امام هشتم نظر مبارک‌شان است که این جواب نوشته بشود، من هم جوابی نوشتم تحت عنوان: "سخنی با جناب آقای «واعظ زاده خراسانی» که تقریباً بیش از 40 صفحه بود. در «مجله نهج البلاغه» شماره 6 چاپ شد.

البته الان من تردید دارم که شماره مجله 5 یا 6 بود و در «سایت ولی عصر» هم اگر مراجعه کنید و سخنی با «واعظ زاده خراسانی» را سرچ کنید، مقاله موجود است.

آن مقاله البته همه، عنایت حضرت رضا (سلام الله علیه) بود، هر وقت ما خدمت آیت الله «فاصل لنکرانی» می‌رسیدیم، ایشان چندین بار فرمود: "فلانی! من مقاله شما را چندین بار خواندم، لذت بردم و دعا کردم، بهتر از این نمی‌شد نوشت."

### درخواست مقام معظم رهبری از مسلمانان جهان!

«مقام معظم رهبری» فرمودند: " ما در دفاع از اهل‌بیت عصمت و طهارت، و دفاع از حقانیت علی، هیچ حد و مرزی برای خودمان نمی‌شناسیم."

من عبارت «مقام معظم رهبری» را اگر بتوانم نشان بدهم، خواهران دارند پاورپوینت را می‌بینند. ایشان در 79 / 12 / 24 این مطلب را ایراد فرموده‌اند.

تعبیر «مقام معظم رهبری» این است: " اگر آن روز امت اسلامی نسل پیامبر را درست و با معنای حقیقی خودش درک می‌کرد و تحویل می‌گرفت و دنبال علی ابن ابی‌طالب راه می‌افتاد و این تربیت نبوی استمرار پیدا می‌کرد، بشریت بسیار زود به آن نقطه‌ای می‌رسید که هنوز به آن نقطه نرسیده."

این هم تصویر سایت [/https://www.khamenei.ir](https://www.khamenei.ir) ببینید فرمایش «مقام معظم رهبری» است. ما نباید در تبیین مقام اهل‌بیت و بحث غدیر که اُس اساس کار شیعه است، کوتاه بیاییم.

یا در تاریخ 1388 / 12 / 9 باز در این‌جا ایشان به صراحت مطرح می‌کند که: "در کار فرهنگی غدیر، باید مانند «علامه امینی» و مرحوم «شرف الدین» کار کرد که «الغدیر» و «المراجعات» تحویل دادند. کار در موضوع غدیر پیوسته و دائم باشد و در مورد غدیر باید متخصص تربیت کرد." این فرمایش این بزرگوار است.

در تاریخ 1388/ 3/ 26 باز ایشان بیان کردند: "اعلام مسئله ولایت و انتخاب امیر مؤمنان به جانشینی پیامبر در حقیقت انتخابی از جانب خدای متعال بود و نبی مکرم با اعلام آن، رسالت خویش را تمام کرد."

بعد ایشان می‌فرماید: "ما هیچ اصراری نداریم که فرقه‌ای از فرق اسلامی عقاید فرقه دیگر را قبول کند، اما درخواست منطقی داریم که همه مسلمانان جهان، در واقعیت‌ها و حقایقی که علمایی بزرگی همچون «علامه سید شرف الدین عاملی» و «علامه امینی» درباره امیرالمومنین ارائه کرده‌اند تأمل و تفکر کنند."

این تعبیر خیلی زیبایی است که می‌فرماید درخواست منطقی داریم که همه مسلمانان جهان در واقعیت‌ها و حقایقی که علمایی بزرگی همچون «علامه سید شرف الدین عاملی» و «علامه امینی» درباره امیرالمومنین ارائه کرده‌اند تأمل و تفکر کنند.

بعد ایشان تشیع را برآمده از اعتقاد صحیح سالم و خالص به وحی الهی و ارزشها و معیارهای قرآنی خواندند.

این‌ها نمونه‌ای از فرمایشات «مقام معظم رهبری» است که ما نباید در رابطه با مسئله خلافت و امامت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) کوتاه بیایم.

### «شهید مطهری» و تبیین ناب وحدت اسلامی

مرحوم «شهید مطهری» نیز تعبیر خیلی زیبایی دارد. مطلب ایشان در کتاب «امامت و رهبری» است. من تقاضا دارم خواهران عزیز ما خوب دقت کنند.

این تعبیر «شهید مطهری» در کتاب «امامت و رهبری» است. ایشان در صفحه 11 می‌گویند: " طرح مسئله امامت ممکن است انتقاداتی را در ذهن خوانندگان پدید آورد، در این‌جا ما ضمن طرح انتقادات، نظر خود را درباره آن‌ها بیان می‌کنیم، انتقاد اساسی در این باب دو چیز است."

ایشان آن را مطرح می‌کند و می‌گویند: " ایراد دوم این است که با طرح و بحث این مسائل، تکلیف اتحاد اسلامی چه می‌شود؟ آنچه که بر سر مسلمین آمد و شوکت آنها را گرفت و آنها را تو سری خور ملل غیر مسلمانان قرار داد، همین اختلافات فرقه‌ای است، استعمار چه نو و چه کهنه اش بهترین ابزارش شعله‌ور ساختن این کینه‌های کهنه است که جواب آن بدون شک نیاز مسلمین به این اتحاد و اتفاق از مبرم‌ترین نیازهاست."

بعد ایشان می‌گویند: "مفهوم اتحاد اسلامی که در صد سال اخیر میان علما و فضلاء مؤمن و روشنفکران اسلامی مطرح است، این نیست که فرقه‌های اسلامی به خاطر اتحاد اسلامی از اصول اعتقادی و غیر اعتقادی خود صرفه نظر کنند و به اصطلاح مشترکات همه فرق را بگیرند و مختصات همه را کنار بگذارند. این کار نه منطقی است و نه عملی، چگونه ممکن است از پیرو یک مذهب تقاضا کرد به خاطر مصلحت و حفظ وحدت مسلمین از فلان اصل عملی و یا اعتقادی خود که به هر حال به نظر خود آن جزء متن اسلام است صرفه نظر کند."

بعد ایشان می‌فرماید: "ما خود شیعه هستیم و افتخار پیروی اهل بیت (علیهم السلام) را داریم، کوچک‌ترین چیزی حتی یک مستحب یا مکروه کوچک را قابل مصالحه نمی‌دانیم."

ببینید این تبیین وحدت از اساسی‌ترین وظیفه حوزه است. در مورد مرحوم «مطهری» که «امام خمینی» (رحمة الله علیه) فرمودند: "تمام آثار ایشان بلا استثناء مفید است." مخصوصاً این مطلبی که ایشان دارند، به نظر من آخرین کتابی است که ایشان بعد از انقلاب در آن دو سه ماهی که درک کردند تألیف کرده‌اند. ایشان می‌گویند: "کوچک‌ترین چیزی حتی یک مستحب یا مکروه کوچک را قابل مصالحه نمی‌دانیم و نه توقع کسی را در این زمینه می‌پذیریم و نه از دیگران انتظار داریم که به نام مصلحت و به خاطر اتحاد اسلامی از یک اصل از اصول خود دست بردارند."

خواهران ما این را قشنگ دقت کنند که ایشان می‌نویسد: "آن چه ما انتظار و آرزو داریم این است که محیط حسن تفاهم به وجود آید، تا ما که از خود اصول و فروعی داریم فقه، حدیث، کلام، فلسفه، تفسیر و ادبیات داریم بتوانیم کالای خود را به عنوان بهترین کالا عرضه بداریم، تا شیعه بیش از این در حال انزوا به سر نبرد و بازارهای مهم جهان اسلامی به روی کالاهای نفیس معارف اسلامی شیعه بسته نباشد"

ایشان در همان کتاب می‌گویند: "آنچه آن بزرگان آن زمان - «علامه عبدالمجید سلیم»، شیخ الازهر آن زمان «شیخ محمد شلتوت» و «آیت الله العظمی بروجردی» - در نظر داشتند این است که فرقه‌های اسلامی در عین اختلافاتی که در کلام، فقه و غیره باهم دارند، به واسطه مشترکات بیشتری که در میان آنها است می‌توانند در مقابل دشمنان خطرناک اسلام دست برادری بدهند و جبهه واحدی تشکیل بدهند، این بزرگان هرگز در صدد طرح وحدت مذهبی تحت عنوان وحدت اسلامی که هیچ‌گاه عملی نیست نبودند."

بعد ایشان می‌گویند: "یک حزب واحد و یک جبهه واحد داریم. در حزب واحد معمولاً باید تمام کسانی که از نظر اعتقادات و ایدئولوژیک یک عقیده دارند جمع شوند، ولی در جبهه واحد می‌شود افرادی با عقیده مختلف بیایند و در آنجا شرکت کنند."

بعد دارد: "آنچه آیت الله بروجردی بدان می‌اندیشید این بود که، زمینه را برای پخش و انتشار معارف اهل بیت در میان برادران اهل سنت فراهم کند و معتقد بود که این کار جز با ایجاد حسن تفاهم امکان پذیر نیست."

پس اولین وظیفه ما در رابطه با وحدت میان امت اسلامی، این است که ما چه کار کنیم؟ ما بیایم آن چه که مراد از وحدت میان امت اسلامی است این را تبیین کنیم که مراد از وحدت اسلامی چیست؟

### وحدت بین مذاهب اسلامی، اُس اساس قرآن کریم

نکته دوم در این زمینه این است که ما کاری به گروه ها و فرقه ها نداریم. الان جامعه شیعه ما دو دسته است، یک دسته طرفدار وحدت که در رأس آن مراجع بزرگوار و مقام معظم رهبری و اساتید فرهیخته حوزه های علمیه هست. در یک طرف هم یک عده ای هستند، تابع تشیع انگلیسی و یا سنی آمریکایی!

ما برای این که قضیه را برای همه روشن کنیم، چه برای طرفداران وحدت و چه آن هایی که در هفته وحدت به قول خودشان «هفته برائت» راه انداخته بودند که با تشر «مقام معظم رهبری» همه عقب نشینی کردند، باید به مصدر اساسی دین برویم.

ما کاری با فرمایشات بزرگان هم نمی خواهیم داشته باشیم، اصلا ما برویم در قرآن ببینیم بحث وحدت را چطور مطرح کرده است؟ آیا وحدت به عنوان یک امر تشریفاتی است یا نه، وحدت ضرورتی از ضروریات اسلامی است؟

شما ببینید این آیه قرآن است و دیگر شوخی بردار هم نیست. می گوید:

(وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ)

و همگی به ریسمان خدا [= قرآن و اسلام، و هرگونه وسیله وحدت]، چنگ زنید، و پراکنده نشوید! و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان دل های شما، الفت ایجاد کرد، و به برکت نعمت او، برادر شدید! و شما بر لب حفره ای از آتش بودید، خدا شما را

از آن نجات داد؛ این چنین، خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد؛ شاید پذیرای هدایت شوید.

### سوره آل عمران (3): آیه 103

**(وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا)**، یک امر و یک نهی است. به حبل و ریسمان الهی چنگ بزنید، حالا مراد از «حبل الله» توحید است، رسالت است، قبله است، اهل بیت است. آن یک بحث جدایی است.

اینجا خداوند امر می‌کند و امر هم به اتفاق شیعه و سنی، دال بر وجوب است؛ مگر قرینه‌ای بر استحباب و یا اباحه باشد. یک نهی هم دارد: **(وَلَا تَفَرَّقُوا)** بین خودتان تفرقه ایجاد نکنید.

این دو تا امر و نهی نشان می‌دهد که بحث وحدت اسلامی در میان مسلمان‌ها به عنوان یک امر ضروری است. و یک امر امکان پذیر است، و یک امر تشریفاتی نیست و قابل توجیه و تأویل هم نیست.

از آیات متشابه هم نیست، از محکمت قرآن است. همه می‌فهمند، برای یک بچه پنج شش ساله هم اگر ترجمه کنند، می‌فهمد که خدای عالم مرادش چیست؟

آیه دیگر در سوره حجرات است:

**(إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ)**

مؤمنان برادر یکدیگرند؛ پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید و تقوای الهی پیشه کنید، باشد که مشمول رحمت او شوید!

### سوره حجرات (49): آیه 10

می‌فرماید: اگر اختلافی میان برادران دینی است، این اختلاف را باید برداشت، بازهم این‌جا امر است.

**(فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ)!**

در آیه 65 سوره انعام اصلاً خدای عالم تفرقه را از عذاب الهی می‌داند:



**(قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْضِكُمْ أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيْعًا وَيَذِيقَ  
بَعْضَكُمْ بِأَسْبَغِضِ أَنْظُرْ كَيْفَ نَصْرَفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ)**

بگو: «او قادر است که از بالا یا از زیر پای شما، عذابی بر شما بفرستد؛ یا بصورت دسته‌های پراکنده شما را با هم بیامیزد؛ و طعم جنگ (و اختلاف) را به هر یک از شما بوسیله دیگری بچشانند.» ببین چگونه آیات گوناگون را (برای آنها) بازگو می‌کنیم! شاید بفهمند (و بازگردند)!

**سوره انعام(6): آیه 65**

اگر می‌بینیم امروز تفرقه در میان امت اسلامی است، قطعاً طبق این آیه به خاطر بعضی از گناهان و به خاطر بعضی از انحرافات و... است که در جامعه اسلامی ایجاد شده است.

خدای عالم این‌ها را گرفتار تفرقه کرده که این‌ها باید از این انحرافات دست بردارند و توبه کنند و به سوی خدا برگردند. از خدا بخواهند که عذاب تفرقه را از میان امت اسلامی بردارد.

این آیات همه نشان دهنده این است که ما بحث وحدت را نباید بیاییم فقط در کلمات بزرگان، مراجع، حضرت امام، مقام معظم رهبری خلاصه کنیم.

متأسفانه یک عده‌ای که دل خوشی از نظام و مراجع، بویژه «مقام معظم رهبری» ندارند، در برابر وحدت بین شیعه و سنی موضع‌گیری می‌کنند. آن که برای ما مهم است این است که بحث را به خود آیات قرآن ببریم. آیات قرآن دیگر قابل توجیه نیست.

**دیدگاه جالب توجه امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) نسبت به وحدت امت اسلامی**

نکته سوم: این آقایان که می‌آیند امروز تفرقه ایجاد می‌کنند، عمدتاً به ظاهر، نیت‌شان طرفداری از امیرالمؤمنین است، طرفداری از صدیقه طاهره (سلام الله علیها) است.

ما برویم ببینیم خود امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) قولا و فعلا در رابطه با بحث وحدت چه دارد. و چه کارهایی را آقا امیرالمؤمنین بیان کردند که جامعه ما در غفلت به سر می‌برد.

ببینید این کتاب «نهج البلاغه» حکمت 183، تحقیق دکتر «صبحی الصالح»، چاپ بیروت است. حضرت می فرماید:

«مَا اخْتَلَفَتْ دَعْوَتَانِ إِلَّا كَانَتْ إِحْدَاهُمَا ضَلَالَةً»

دو دعوت باهم اختلاف نمی‌کنند، جز این که یکی آن‌ها ضلالت است.

نهج البلاغه؛ نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، تحقیق: ما أختاره وجمعه الشریف الرضی، ضبط نصه وابتکر فهارسه العلمية: الدكتور صبحي صالح، بیروت، سال چاپ: 1387 - 1967 م ص502، حکمت 183

نمی‌شود دو نفر که باهم اختلاف دارند، هردو حق باشند. شاید هردو باطل باشند؛ ولی این که هردو حق باشند امکان پذیر نیست. قطعاً یک حق است و یک باطل!

در رابطه با تفرقه‌ای که در قضیه حکمیت ایجاد شد و خوارج جدا شدند و از جماعت شیعه دست کشیدند، امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) می‌فرماید:

«خَيْرُ النَّاسِ فِي حَالِ النَّمَطِ الْأَوْسَطِ فَالزُّمُوهُ وَ الزُّمُوهَا السَّوَادُ الْأَعْظَمُ فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ [عَلَى] مَعَ الْجَمَاعَةِ»

همیشه با جمعیت باشید، دست خدا با گروه جماعت است.

«وَ إِيَّاكُمْ وَ الْفُرْقَةَ»

از تفرقه بپرهیزید.

«فَإِنَّ الشَّادَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّادَّ مِنَ الْعَنَمِ لِلذُّبِّ»

تعداد اندکی که از جامعه جدا می‌شوند، طعمه شیطان می‌شوند، همان طوری که تعداد اندک جدا شده‌ای از گله، طعمه گرگ می‌شوند

نهج البلاغة (للصباحي صالح)؛ نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، ناشر: هجرت، محقق /

مصحح: فیض الاسلام، ص 31، خ 127

یا حضرت در خطبه 133 می‌فرماید:

«إِنَّمَا أَنْتُمْ إِخْوَانٌ عَلَى دِينِ اللَّهِ»

همه شما برادر دینی هستید!

حضرت نمی‌گوید برادر مذهبی.

«مَا فَزَقَ بَيْنَكُمْ إِلَّا خُبْتُ السَّرَائِرِ وَ سُوءَ الصَّمَائِرِ»

این تفرقه‌ای که در میان شما ایجاد شده، همه این‌ها از خباثت باطل و سوء نیت‌های مخفی سرچشمه گرفته است.

نهج البلاغة (للصباحي صالح)؛ نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، ناشر: هجرت، محقق /

مصحح: فیض الاسلام، ص 168، خطبه 133

خیلی عجیب است که حضرت می‌فرماید:

«أَلَا مَنْ دَعَا إِلَى هَذَا الشُّعَارِ فَأَقْتُلُوهُ»

هر کس به این تفرقه دعوت کرد، مستحق قتل و «مهدور الدم» است.

«وَلَوْ كَانَ تَحْتَ عِمَامَتِي هَذِهِ»

ولو زیر عمامه من علی ابن ابی‌طالب باشد.

نهج البلاغة (للصباحي صالح)؛ نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، ناشر: هجرت، محقق /

مصحح: فیض الاسلام، ص 185، خطبه 127

این‌ها فرمایشات ناب حضرت امیر است. یا شما ببینید در کتاب «قرب الإسناد» مرحوم «حمیری» در رابطه با «خوارج» که بعضی‌ها می‌گفتند این‌ها دچار شرک و نفاق شدند حضرت می‌فرمود نه:

«هُمْ إِخْوَانُنَا بَعْوَا عَلَيْنَا»

آن‌ها برادران دینی ما هستند این‌ها در برابر ما طغیان کردند!

قرب الإسناد (ط - الحديثة)؛ حمیری، عبد الله بن جعفر، محقق / مصحح: مؤسسة آل البيت عليهم

السلام، ناشر: مؤسسة آل البيت عليهم السلام ص 94

ببینید امیرالمؤمنین نسبت به خوارجی که (نستجیر بالله) معتقد به کفر علی ابن ابیطالب بودند می‌گوید

«هم اخواننا» آن‌ها برادران دینی ما هستند، ولی در برابر ما طغیان کرده‌اند!

اگر این هست، دیگر تکلیف آن دسته از افرادی که به بهانه دفاع از امیرالمؤمنین، یا شادی قلب صدیقه طاهره، بحث تفرقه را مطرح می‌کنند، یا با جشن‌های عید الزهراء و به کار بردن بعضی عبارتهای وقیح، زشت و اشعار خیلی زننده، نسبت به اهل سنت و مقدسات اهل سنت توهین می‌کنند، روشن است؛ که آیا واقعاً این‌ها با این سخنان حضرت امیر (سلام الله علیه) تطبیق می‌کند یا خیر؟

آیت‌الله العظمی «بهجت» یک تعبیری دارد، دوستان اگر در اینترنت آیت‌الله العظمی «بهجت» و «عید الزهراء» را جستجو بزنند، شاید در هزاران سایت این تعبیر بیاید که ایشان می‌فرماید: "اگر شما در «قم» و «تهران» و «مشهد» و «شیراز» و جاهای دیگر «عید الزهراء» بگیرید و به مقدسات اهل سنت توهین کنید و در آن طرف دنیا به یک شیعه بی‌احترامی بشود و خونی از دماغ یک شیعه بریزد، شما سهیم هستید."

این‌ها همه نشان می‌دهد بر این‌که بحث تفرقه و ایجاد دو دستگی در میان امت اسلامی، نه مرضی اهل بیت است و نه مرضی بعضی از مراجع مثل آیت‌الله العظمی «بهجت» که خیلی کار با سیاست هم نداشت و همه هم ایشان را قبول داشتند.

هم انقلابی قبول داشت، هم ضد انقلاب، و هم بی تفاوت؛ حتی خیلی از سنی‌ها که آشنایی با مقام عرفانی و زهد ایشان داشتند، ایشان را قبول داشتند. این فرمایش ایشان است.

ولذا بحث وحدت اسلامی و تکلیف حوزه‌ها سومین نکته‌ای است که ما باید ببینیم این آقایانی که به بهانه دفاع از امیرالمؤمنین و خوشحالی قلب امیرالمؤمنین، این بساط را راه می‌اندازند و فحاشی‌ها، اهانت‌ها، لعن‌ها و سب‌هایی که انجام می‌دهند آیا این‌ها با مشی و مرام امیرالمؤمنین می‌سازد یا نمی‌سازد؟

### این ماهیت واقعی شیعه نیست!

نکته چهارم یک نکته عقلی است؛ اصلاً گیریم قرآن درباره وحدت چیزی نگفته و امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) هم چیزی نفرمودند، الان ما در دنیای معاصر هستیم، آیا این تفرقه و توهین به مقدسات اهل سنت به نفع شیعه است یا به ضرر شیعه است؟

ما کلاه خودمان را قاضی قرار بدسیم. من بنشینم در فلان شبکه ماهواره‌ای شروع کنم به توهین کردن به مقدسات اهل سنت، بروم بالای منبر هر چه از دهانم در آمد به سنی بگویم و به مقدسات آن‌ها اهانت کنم، آیا این درست است یا نه؟ آیا از این مسیر به شیعه خیر می‌رسد و به نفع شیعه است یا به ضرر شیعه است؟

شما ببینید هفت هشت سال قبل در «شبکه فدک» که متعلق به «شیعه‌های انگلیسی» است، آقایان در شب 17 ماه رمضان که وفات «عایشه» است، جشنی گرفتند و لباس قرمز پوشیدند.

الان هم کلیپ‌هایش در اینترنت به وفور دیده می‌شود. اینها شروع کردن به دست زدن و اینکه: «عائشه

### فی النار، عائشه فی النار»

من یک جمله‌ای را به شما می‌گویم، شما در اینترنت سرچ کنید: «اسپایکر کلیپ». کلمه «کلیپ» و «اسپایکر» را سرچ بزنید.

این «کلیپ» مربوط به همان هفته اول تصرف «موصل» توسط «داعش» است، این‌ها در «دانشکده افسری»، 1700 دانشجو را ذبح کردند و قتل عام کردند. طرف، گلوله را به شقیقه این جوانها می‌گذارد و می‌گوید:

### «هذا انتقامُ عائشه في النار»

می‌گویند ما این 1700 جوان شیعه را می‌کشیم به خاطر انتقام از این جشنی که «یاسر الحیب» و دار و دسته‌های «شیعه انگلیسی» نسبت به «عایشه» کردند.

ما از این آقایان سوال می‌کنیم این آقایان را به حضرت زهرا قسم می‌دهیم که قبول دارند، آیا حضرت زهرا (سلام الله علیها) راضی است که شما یک جشنی بگیرید و در آن‌جا شعار «عائشه فی النار» بدهید و در نتیجه 1700 نفر بچه شیعه را این‌طور ذبح کنند و جسد نیمه جان‌شان را به رودخانه بیاندازند و در داخل آب جان بدهند؟

آیا حضرت زهرا به این کار راضی است؟ اگر راضی است ادامه بدهید چرا ادامه نمی‌دهید؟

به دنبال این قضیه «آل شیخ»، «مفتی اعظم عربستان سعودی» که من از نزدیک با ایشان آشنا هستم و در سال 82 با جناب آقای «نواب» که الان «مسئول بعثه مقام معظم رهبری» هستند به «طائف» رفتیم و با ایشان 1 ساعت بحث‌های خیلی مفصلی در رابطه با مسائل تکفیری که توسط «وهابیت» نسبت به شیعه انجام می‌دهند را داشتیم و بحث‌ها ضبط هم شده و در «سایت ولی‌عصر» هم موجود است.

«مفتی اعظم عربستان» بیانیه داد و گفت: ما سال‌هاست که می‌گفتیم شیعیان دشمن صحابه هستند ولی هیچ کس باور نمی‌کرد؛ علمای شیعه انکار می‌کردند ولی این کاری که در «شبکه فدک» انجام شد، ماهیت واقعی شیعه را به مردم نشان داد.

آیا این به صلاح شیعه بود؟ کار به جای رسید که شخص «مقام معظم رهبری» بیانیه دادند و این کار را محکوم کردند و گفتند آن کسانی که به امهات مؤمنین و به زنان پیغمبر اهانت می‌کنند، این‌ها به شیعه هیچ ارتباطی ندارند.

اینها آدم‌های تندرو هستند و مورد قبول ما نیستند. به طوری که «شیخ الأزهر» به «مقام معظم رهبری» نامه نوشت و از این موضع‌گیری ایشان رسماً تشکر و سپاسگزاری کرد.

ولذا ما این افرادی که تندرو هستند و این‌چنین مباحثی را مطرح می‌کنند، باید یک مقدار به مسئله عقلی توجه بدهیم.

### نتیجه اهانت به مقدسات اهل سنت از زبان امام رضا و امام صادق (علیهماالسلام)

نکته پنجم اینکه این‌ها عمدتاً یک دسته روایاتی را از گوشه و کنار در رابطه با سب و لعن خلفاء و اهل سنت پیدا می‌کنند، می‌آورند و مطرح می‌کنند.

من بارها در این 23، 25 سالی که در رسانه‌ها و ماهواره‌ها بودم و برنامه داشتم، بارها تحدی کردم گفتم آقایان یک روایت صحیح برای ما بیاورند که ائمه (علیهم السلام) دستور دادند که شما به اهل سنت فحش بدهید.

من در شبکه «المستقله» متعلق به «عربستان» چندین جلسه مناظره داشتم؛ در «شبکه سلام» حدود 4 سال برنامه داشتم؛ در «شبکه نور» اهل سنت «افغانستان» برنامه داشتم؛ در «شبکه ولایت» 8 سال برنامه داشتم.

الان هم «شبکه حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه)» هفته‌ای 2 جلسه برنامه دارم. خواهران می‌توانند آنجا برنامه‌های ما را پی‌گیری کنند و یا از طریق گوشی از بازار اپلیکیشن «شبکه جهانی حضرت ولی عصر» را در گوشی‌شان دانلود کنند.

خواهران گرامی می‌توانند در «موسسه تحقیقاتی حضرت ولی‌عصر» که پخش اینترنتی دارد، برنامه‌های شبکه را به صورت 24 ساعته مشاهده کنند.

شب‌ها ما معمولاً ساعت 20:30 تا 21:30 برنامه پخش زنده داریم و الان هم که شما دارید می‌بینید برنامه را دارند پخش می‌کنند.

بنده روز یکشنبه و روز پنج‌شنبه مرتب برنامه زنده از «شبکه حضرت ولی‌عصر» دارم. من بارها تحدی کردم گفتم: آقایان یک روایت صحیح برای ما بیاورند که ائمه (علیهم السلام) دستور دادند که شما به اهل سنت فحش بدهید، و به اهل سنت توهین کنید مقدسات اهل سنت را مورد لعن و سب قرار بدهید؛ در اینصورت ما هم با این‌ها هم صدا می‌شویم.

ولی به عکس، ما می‌بینیم روایات زیادی در این طرف ما داریم. به طور مثال در «عیون اخبار الرضا» آمده که حضرت رضا (سلام الله علیه) به «ابراهیم ابن ابی محمود» می‌فرماید:

**«إِنَّ مُخَالِفِينَ وَضَعُوا أَخْبَاراً فِي فَضَائِلِنَا وَجَعَلُوهَا»**

مخالفین ما یک سری اخباری را جعل کرده‌اند!

یک سری از آن‌ها:

**«...التَّضْرِيحُ بِمَثَلِ أَعْدَائِنَا»**

روایت‌هایی را از قول ما در مذمت دشمنان ما جعل کرده‌اند.

بعد می‌گوید:

**«وَ إِذَا سَمِعُوا مَثَلِ أَعْدَائِنَا بِأَسْمَائِهِمْ»**

وقتی اهل سنت از قول ما می‌شنوند که ما مقدسات آن‌ها را این‌چنین ناسزا گفتیم!

**«تَلَبُّونَا بِأَسْمَائِنَا»**



آن‌ها هم به ما فحش می‌دهند.

عیون أخبار الرضا (علیه السلام): نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، مصحح: لا جوردی، مهدی،

ناشر: نشر جهان، ج 1، ص 304

قرآن می‌گوید:

**(وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ)**

(به معبود) کسانی که غیر خدا را می‌خوانند دشنام ندهید، مبدا آنها (نیز) از روی (ظلم و) جهل،

خدا را دشنام دهند!

سوره انعام (6): آیه 108

در این جا آقا امام رضا تصریح دارد این روایاتی که در سب و لعن اعداء ما در لابه‌لای کتاب‌ها در زبان مردم می‌بینید، این‌ها ساخته پرداخته دشمنان ما است، هیچ ارتباطی به ما ندارد.

ما می‌بینیم ائمه (علیهم السلام) از سب، لعن و فحش دادن ما را نهی فرمودند. حضرت امیرالمؤمنین در خطبه 206 در رابطه با «معاویه» فرمودند:

**«إِنِّي أَكْرَهُ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا سَبَّابِينَ»**

نهج البلاغه (للصباحي صالح): نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، ناشر: هجرت، محقق/

مصحح: فیض الاسلام، ص 323، خطبه 206

فرمود: شما حتی به «معاویه» و یارانش حق ندارید فحش بدهید؛ دیگر از این واضح‌تر و روشن‌تر بفرمایید!؟

در کتاب «اعتقادات شیخ صدوق» با شرح «شیخ مفید»، خواهران می‌دانند در کتاب اعتقادات روایتی می‌آید که تمام پل‌ها و قنطره‌های رجالی را رد کرده باشد. دارد که:

«إِنَّا نَرَى فِي الْمَسْجِدِ رَجُلًا يُغْلِنُ بِسَبِّ أَعْدَائِكُمْ وَ يُسَمِّيهِمْ.»

ما می بینیم بعضی در مسجد می نشینند علناً به مخالفین شما سب می کنند، نام هم می برند.

حضرت فرمود:

«مَا لَهُ لَعْنَةُ اللَّهِ»

این هایی که می نشینند سب می کنند چه مرض شان است خدا این ها را لعنت کند!

«يَعْرِضُ بِنَا»

این ها دارند ما را در معرض فحش مخالفین قرار می دهند.

اعتقادات الإمامیه (للسدوق)؛ نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی (وفات مؤلف: 381 ق)، محقق /

مصحح: ندارد، ناشر: کنگره شیخ مفید، قم، 1414 ق، ص 107

باز حضرت آیه 108 سوره انعام را می خواند که فرمود:

«وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ»

اگر کتاب اعتقادات شیخ صدوق را ندارید، «بحار الأنوار» چاپ «ایران» جلد 71، و چاپ «بیروت» هم این

روایت از کتاب «معتقدات شیخ صدوق» دارد. ایشان می گوید:

«وَفِي الْإِعْتِقَادَاتِ عَنْهُ (عليه السلام) أَنَّهُ قِيلَ لَهُ إِنَّا نَرَى فِي الْمَسْجِدِ رَجُلًا يُغْلِنُ بِسَبِّ أَعْدَائِكُمْ وَ

يَسُبُّهُمْ»

البته «يَسُبُّهُمْ» این جا غلط است و «يُسَمِّيهِمْ» درست است که در متن اصلی هم بود. حضرت می فرماید:

«مَا لَهُ لَعْنَةُ اللَّهِ تَعْرِضُ بِنَا»

بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بيروت)؛ نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد

تقی، ناشر: دار إحياء التراث العربي، محقق/ مصحح: جمعی از محققان، ج71، ص 217

من این روایت را عرض کنم، 10 دقیقه آخر اگر خواهران سوالی دارند مطرح کنند، در خدمتشان هستیم. همان طور که می بینید این کتاب «کافی» است، جلد 2، صفحه 636 «معاویة ابن وهب» از اصحاب خاص امام صادق است می گوید خدمت امام صادق عرض کردم:

«كَيْفَ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَضَعُ فِيمَا بَيْنَنَا وَ بَيْنَ قَوْمِنَا وَ بَيْنَ خُلَطَائِنَا مِنَ النَّاسِ مِمَّنْ لَيْسُوا عَلَى أَمْرِنَا»

با اهل سنت تعامل ما باید چطوری باشد؟

حضرت فرمود:

«تَنْظُرُونَ إِلَيَّ أَيْمَتِكُمُ الَّذِينَ تَقْتَدُونَ بِهِمْ فَتَضَعُونَ مَا يَضَعُونَ»

بینید امامان شما با اهل سنت چه تعاملی دارند از امامان تان تبعیت کنید به آنها اقتداء کنید.

بعد می گوید:

«فَوَ اللَّهُ»

حضرت قسم می خورد

«إِنَّهُمْ لَيَعُودُونَ مَرْضَاهُمْ وَ يَشْهَدُونَ جَنَائِزَهُمْ وَ يُقِيمُونَ الشَّهَادَةَ لَهُمْ وَ عَلَيْهِمْ وَ يُؤَدُّونَ الْأَمَانَةَ إِلَيْهِمْ

«

اینها مریضهای اهل سنت را عیادت می کنند، به تشیع جنازه شان می روند، در محکمه برای ادای شهادت حضور پیدا می کنند، امانت داری می کنند.

الكافي (ط - الإسلامية)، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق / مصحح: غفاری  
علی اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الکتب الاسلامیة، ج2، ص 636، بَابُ مَا يَجِبُ مِنَ الْمَعَاشِرَةِ،

ح4

این نشان می‌دهد که روش اهل بیت (علیهم السلام) غیر از این است که این تندروها و یا ولایتی‌های داغ یا «شیعیان انگلیسی» امروز دارند مطرح می‌کنند.

در روایت دوم به «زید شحام» می‌فرماید به آن دسته از شیعیانی که از من اطاعت می‌کنند و حرف من را قبول دارند، سلام برسان. این نشان می‌دهد زمان امام صادق هم یک تعدادی بودند حرف امام صادق را هم قبول نداشتند. می‌گوید:

«يُطِيعُنِي مِنْهُمْ وَ يَأْخُذُ بِقَوْلِي السَّلَامُ»

به این‌ها سلام برسان!

و به این‌ها بگو:

«صَلُّوا عَشَائِرَكُمْ وَ اشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَ عُدُّوا مَرْضَاهُمْ وَ ادُّوا حُقُوقَهُمْ فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ إِذَا وَرَعَ فِي  
دِينِهِ وَ صَدَقَ الْحَدِيثَ وَ أَدَّى الْأَمَانَةَ وَ حَسَنَ خُلُقَهُ مَعَ النَّاسِ قِيلَ هَذَا جَعْفَرِيٌّ فَيَسْرُنِي ذَلِكَ وَ  
يَدْخُلُ عَلَيَّ مِنْهُ الشُّرُوزُ»

...اگر این کار را کردید من امام صادق خوشحال می‌شوم.

«وَ قِيلَ هَذَا أَدَبُ جَعْفَرٍ»

می‌گویند امام صادق چه شیعیان خوبی تربیت کرده!

«وَ إِذَا كَانَ عَلَى غَيْرِ ذَلِكَ دَخَلَ عَلَيَّ بِلَاؤُهُ وَ عَازَهُ»

اگر غیر از این باشد ننگ این کار به طرف من متوجه می‌شود.

الكافي (ط - الإسلامية)، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق/ مصحح: غفاری  
علی اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دارالکتب الاسلامیه، ج2، ص 636، بَابُ مَا يَجِبُ مِنَ الْمُعَاشَرَةِ،

ح5

### پرسشهای حاضرین در جلسه

اگر خواهان سوال دارید بفرمایید.

**پرسش:**

چرا اهل سنت در دفاع از عقائد خود قوی تر هستند؟

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

ببینید بحث قوی بودن نیست. در طول این مدت حکومتها با اینها بوده، امکانات در اختیار اینها بوده و معارضی نداشتند، کتاب نوشتند و مطالبی مطرح کردند.

از آن طرف شیعه در اقلیت بود. شما ببینید تندروهای اهل سنت کتابخانه «شیخ مفید» را آتش زدند، بعد از آن کتابخانه «سید مرتضی» شاگرد بزرگوارش را آتش زدند.

کتابخانه «شیخ طوسی» در «بغداد» بعضیها میگویند حدود 11 هزار کتاب داشته و 11 هزار کتاب، کتاب کمی نیست، اینها ریختند و آتش زدند. «شیخ طوسی» نتوانست در «بغداد» بماند و به «نجف» هجرت کرد و آنجا حوزه علمیه را تشکیل داد.

**پرسش:**

در رابطه با «زیارت عاشوراء» و لعنهایی که دارد می شود توضیح بفرمایید.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

در رابطه با زیارت عاشوراء حرف خیلی زیاد است، الان من نمی‌توانم خیلی زیاد صحبت کنم، ولی در همان‌جا هم است:

**«اللَّهُمَّ خُصَّ أَنْتَ أَوْلَ ظَالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنِّي، وَ ابْدَأْ بِهِ أَوْلَا ثُمَّ الثَّانِي وَ الثَّلَاثِ وَ الرَّابِعِ»**

المزار الكبير (لابن المشهدي)؛ نویسنده: ابن مشهدی، محمد بن جعفر، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، محقق/ مصحح: قیومی اصفهانی، ص 484

دیگر اسم نبرده. اولی، دومی، سومی، چهارمی! من یک روزی در مناظره‌ای که با «وهابی»ها در «مکه» داشتم به من گفتند شما در زیارت عاشوراء خلفاء را لعن می‌کنید.

من گفتم کدام؟ گفت این موارد. گفتم اولی چه کسی است؟ گفت ابوبکر، دومی چه کسی است؟ گفت عمر، سومی چه کسی است؟ عثمان، گفتم چهارمی چه کسی است؟ ماند. گفتم علی ابن ابیطالب باید باشد. (نستجیر بالله)

یعنی شیعه می‌آید علی را مورد لعن قرار می‌دهد؟! این‌ها عنایاتی است از اهل‌بیت (علیهم السلام) که به صورت رمز برای حفظ جان شیعه آوردند.

**پرسش:**

ما چه کار کنیم اطلاعاتمان را بالا ببریم؟

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

ما با حوزه علمیه خانم‌ها و آقایان برنامه‌ای داشتیم. پریروز هم با آیت‌الله «اعرافی» یک جلسه مفصل داشتیم و ما اعلام کردیم از اساتید نخبه حوزه‌های علمیه ثبت بکنند، ما حاضر هستیم با توجه به تجربیاتی که داریم و خدا این توفیق را از باب:

**«يَا مُبْتَدِي كُلُّ نِعْمَةٍ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا»**

الكافي (ط - الإسلامية)، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق/ مصحح: غفاری

علی اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الکتب الاسلامیه، ج 2، ص 578، بَابُ دَعَوَاتِ مُوجَزَاتٍ لِجَمِيعِ

الْحَوَائِجِ لِلدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، ح 4

به من داد که من بیش از 200 جلسه مناظره در خاک «عربستان» داشتم، خواهرها می‌توانند در «سایت ولی‌عصر» بخش تألیفات، کتاب «قصه الحوار الهادی» را ملاحظه بفرمایند.

مجموعه مناظرات و مکاتباتی که در «عربستان» با اساتید دانشگاه‌ها و مفتیان‌شان داشتیم در 3 جلد قطور 600-700 صفحه‌ای آوردیم، ملاحظه بفرمایند.

بعضی از بزرگواران می‌گویند قوی‌تری کتابی است که فعلاً تا الان در رابطه با اختلافات اساسی شیعه، سنی و شبهاتی که آن‌ها مطرح می‌کنند نوشته شده است.

البته «حوزه علمیه خواهران» سال گذشته از پنج استان یک برنامه‌ای را ردیف کردند مثل استان «تهران»، «مرکزی»، «کردستان» و «اصفهان». از این‌ها حدود 50 نفر از اساتید نخبه به «قم» تشریف آوردند، ما 3 روز در خدمت این خواهرها بودیم؛ بعد هم به صورت اینترنتی برای‌شان برنامه داشتیم. بحث روش پاسخگویی به شبهات را با این‌ها بحث داشتیم.

«مدیر حوزه‌های علمیه» ان شاء الله بتوانند با «حوزه علمیه خواهران» و با «معاونت آموزش» هماهنگی بکنند، که ما در مرحله دوم ان شاء الله بتوانیم در استان شما هم اساتیدی که به این بحث علاقه دارند ان شاء الله روش پاسخگویی به شبهات را برای‌شان داشته باشیم.

**پرسش:**

نظر شما در مورد «رئیس جمهور فرانسه» و اهانتش چه است؟

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

در مورد قضیه «رئیس جمهور فرانسه»، دیروز «مقام معظم رهبری» هر حرفی که شایسته بود زدند. بعد از فرمایشات «مقام معظم رهبری» دیگر حرفی باقی نماند.

**پرسش:**

از تأثیر و نقش خواهران خصوصاً در برخی از شهرها چگونه این اتحاد را در جمع خواهران اهل سنت عملی سازیم؟

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

ما باید حقایق را بگوییم بدون آن که توهین بکنیم. شما می‌توانید حقانیت علی ابن ابیطالب را با استدلال محکم از کتب اهل سنت و از کتب شیعه بیان کنید.

این بیان کردن یک دفعه این است که می‌آیید چهار تا فحش به خلفاء و اهل سنت می‌دهید، یک دفعه نه، یک بحثی را شما مطرح می‌کنید بدون آن که هیچ توهین و اهانتی باشد.

همان تعبیر آقا امام هشتم (سلام الله علیه) فرمود:

**«فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَخَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا»**

اگر مردم زیبایی‌های کلام ما را ببینند از ما تبعیت می‌کنند!

عیون أخبار الرضا (علیه السلام): نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، مصحح: لا جوردی، مهدی،

ناشر: نشر جهان، ج 1، ص 307

یا در همین بحثی که «مفضل» دارد:

**«قَالَ الْمُفَضَّلُ فَلَمْ أَمْلِكْ نَفْسِي غَضَبًا وَ غَيْظًا وَ حَنَقًا فَقُلْتُ يَا عَدُوَّ اللَّهِ أَلْحَدْتُ فِي دِينِ اللَّهِ وَ أَتَكْرَهُتُ**

**الْبَارِيَّ جَلَّ قُدْسُهُ ... فَقَالَ يَا هَذَا إِنْ كُنْتُ مِنْ أَصْحَابِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ فَمَا هَكَذَا يُخَاطِبُنَا وَ**

**لَا بِمِثْلِ دَلِيلِكَ يُجَادِلُنَا وَ لَقَدْ سَمِعَ مِنْ كَلَامِنَا أَكْثَرَ مِمَّا سَمِعْتَ فَمَا أَفْحَشَ فِي خِطَابِنَا وَ لَا تَعَدَّى فِي**



جَوَابًا ... وَ يَسْمَعُ كَلَامَنَا وَ يُضْغِي إِلَيْنَا وَ يَسْتَعْرِفُ حُجَّتَنَا حَتَّى اسْتَفْرَعْنَا مَا عِنْدَنَا وَ ظَنَّنَا أَنَّا قَدْ  
قَطَعْنَا أَدْحَصَ حُجَّتِنَا بِكَلَامٍ يَسِيرٍ وَ خِطَابٍ قَصِيرٍ يُلْزِمُنَا بِهِ الْحُجَّةَ وَ يَفْطَعُ الْعُذْرَ وَ لَا نَسْتَطِيعُ لِحُجَّتِنَا  
رَدًّا فَإِنْ كُنْتَ مِنْ أَصْحَابِهِ فَخَاطِبُنَا بِمِثْلِ خِطَابِهِ.»

بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بيروت)؛ نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد  
تقی، ناشر: دار إحياء التراث العربي، محقق/ مصحح: جمعی از محققان، ج3، ص58، باب 4 الخبر  
المشتهر بتوحيد المفضل بن عمر، ح6

«مفضل» می‌گوید من با «ابن ابی العوجاء» مناظره داشتم. ایشان نسبت به خدا یک مقدار مطالب تندی  
گفت، من عصبانی شدم هر چه از دهانم در آمد به او گفتم. «ابن ابی العوجاء» گفت اگر شما شاگرد امام  
صادق هستی من با امام صادق تندتر از این بحث می‌کنم تا به حال:

«فَمَا هَكَذَا يُخَاطِبُنَا وَ لَا بِمِثْلِ دَلِيلِكَ يُجَادِلُنَا»

این‌طور تند با ما برخورد نمی‌کرد. اگر شاگرد امام صادق هستی، سیره و روش امام صادق را هم رعایت کن.  
ولذا ائمه (علیهم السلام) نیروهای را برای بحث و مناظره تربیت می‌کردند، مثل «هشام بن حکم» که آقا  
امام صادق به وجودش افتخار می‌کند.

مثل «مؤمن الطاق» که زبان گویای اهل‌بیت (علیهم السلام) بود، این‌ها مناظرات داشتند و در ضمن این‌ها  
توصیه می‌کردند که برخوردهای تان برخوردهای مؤدبانه، متین و مستدل باشد.

خواهرها در کتاب «کافی» جلد 1 کتاب الإمامه، اگر اشتباه نکنم صفحه 171 مناظراتی که اصحاب امام  
صادق در جمع آقا امام صادق (سلام الله علیه) در «منا» داشتند را ببینند. یا در «رجال کشی» صفحه 474 را  
ببینند. در آن‌جا خواهید دید که برخورد امام صادق و صحابه با اهل‌سنت چگونه بوده است؟

از حضور فعال خواهران عزیز استان «یزد» خیلی خوشحال شدیم و برای همه عزیزان مان از خدای متعال  
توفیق می‌خواهیم.

ان شاء الله اگر فرصتی باشد در برنامه‌های بعدی در خدمت‌شان هستیم، بهترین کتابی که همیشه برای آغاز معرفی کردم در فرمایشات «مقام معظم رهبری» هم بود کتاب «المراجعات» مرحوم «شرف الدین» است.

این کتاب یک مناظره خیلی عالمانه و مؤدبانه و مستند بین یک عالم بزرگ شیعه، فقیه مرحوم «شرف الدین» و از آن طرف «شیخ الأزهر» که بالاترین مقام علمی اهل سنت است.

خدا ان شاء الله به همه توفیق عنایت کند، ان شاء الله خداوند اعمال و برنامه‌های ما را قبول کند و ذخیره شب اول قبرمان قرار بدهد، و مورد رضایت حضرت ولی عصر و خوشحالی صدیقه طاهره (سلام الله علیه) قرار بدهد از همه خواهران عزیز التماس دعا داریم، ما را از دعای خیرشان فراموش نکنند

«والسلام علیکم ورحمه الله و برکاته»